

واژه‌شناسی

محمد فولادی



هویت

هویت یعنی آنچه موجب تشخیص فرد می‌شود. پیداست که واژه هویت، حقیقت، چیستی و هستی را می‌رساند. اصل این واژه عربی است و از کلمه هو به معنی او، ضمیر غایب اخذ شده و از این ضمیر لفظ مرکب «هوهو» ساخته شده است که اسم مرکب الف و لام دار است و به معنی اتحاد بالذات یا با انطباق بالذات است. بنابراین، هویت هر پدیده‌ای بیانگر هیئت و ماهیت وجودی آن ذات است.^(۱)

در اصطلاح واژگان لاتین Identity به معنی هویت دارای دو معنی است:

- ۱- بیانگر مفهوم تشابه مطلق است.
- ۲- به معنی تمایز است که به مرور زمان سازگاری و انطباق می‌یابد.

بنابراین هویت از یک سو بیانگر تشابه و از سوی دیگر بیانگر تفاوت می‌باشد.^(۲)

اجمالاً هویت را در دو بعد فردی و اجتماعی می‌توان تعریف کرد:

۱- هویت اجتماعی: به واسطه هویت اجتماعی، افراد و گروه‌ها در روابط اجتماعی خود از افراد و گروه‌های دیگر متمایز می‌شوند. نیز هویت اجتماعی به برقراری و متمایز ساختن نظامند نسبت‌های شباهت و تفاوت میان افراد گروه‌ها و میان افراد و گروه‌ها اشاره دارد.

اولاً هویت اجتماعی و گروهی را می‌توان چنین تعریف کرد: هویت مجموعه‌ای از خصوصیات و مشخصات اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی هسان است که بر یگانگی یا همانندی اعضای آن دلالت می‌کند و آن را در یک ظرف زمانی و مکانی معین به طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها و افراد متعلق به آن‌ها متمایز می‌سازد.

۲- هویت فردی: هویت فردی و اجتماعی از نظر کیفی و نوعی متفاوتند، به این معنا که هویت فردی ناظر به افراد و هویت جمعی ناظر به جامعه است. هویت اجتماعی نسبت به هویت شخصی واقعی تر بوده و دارای استحکام و دوام بیشتر است. همان‌طور، هویت اجتماعی به هویت فردی یقین می‌بخشد.

بارزترین فرق میان هویت فردی و جمعی در این است که هویت فردی بر تفاوت و هویت جمعی بر شباهت تأکید دارد. انسان‌ها آنچه را از جامعه می‌گیرند، در درون پردازش کرده و درونی می‌کنند. آن‌گاه آن را می‌پذیرند و همین مسأله هویت فردی آنان را تشکیل می‌دهد.

حقوق

امروزه حقوق دارای استعارات متعدد است و کاربردهای متفاوتی دارد. برخی از کاربردهای حقوق بدین شرح است:

۱- حقوق به معنی دستمزد و حق الزحمه برای مثال: «حقوق کارمندان دولت» منظور از آن دستمزدی است که این افراد به طور ماهانه از دولت دریافت می‌کنند.

۲- حقوق عبارت است از مجموع قواعد و مقرراتی که بر روابط افراد یک جامعه در زمانی معین به کار برده می‌شود. بنابراین اصطلاح حقوق، مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهایی است که اعضای یک جامعه ملزم به رعایت آن هستند و دولت نیز ضمانت اجرای آن را بر عهده دارد. مانند حقوق ایران، حقوق مصر و...

حقوق در این معنا فرد است، نه جمع. گویا مجموعه احکام و مقررات حاکم بر یک جامعه را واحد اعتباری دانسته و نام حقوق بر آن نهاده‌اند حقوق در این معنا مترادف با قانون است «حقوق اسلام» یعنی «قانون اسلام»^(۵)

۳- حقوق «جمع حق» در این اصطلاح به معنای امتیاز است. ویژگی‌های هر یک از افراد جامعه است که گاه از آن به «حقوق فردی» تعبیر می‌شود مثل حق حیات، حق مالکیت...^(۶) در این اصطلاح واژه حقوق، از نظر او بر معنای جمع می‌باشد. در حالی که در اصطلاح دوم تنها از نظر ادبی واژه حقوق جمع بود، ولی از نظر مفهوم حالت اسم جمع است.

۴- حقوق به معنی علم حقوق منظور از آن داشتن حقوق است که در مقابل سایر علوم و دانش‌ها به کار می‌رود. مانند علم روان‌شناسی، علم جامعه‌شناسی...

حقوق

حق در لغت دارای معانی متعددی است. از جمله درست کردن سخن، درست کردن وعده، یقین نمودن، ثابت شدن، غلبه کردن به حق، موجود ثابت و نامی از اسامی خداوند.

در فرهنگ المنجد نیز معانی لغوی حق چنین آمده است: ضد باطل، عدل، مال و ملک، خط و نصیب، موجود ثابت، امر مقضی، جزم، سزاوار^(۸)

حق در اصطلاح دارای استعارات گوناگون است. در فقه تعاریف گوناگونی برای حق ارائه شده است:

۱- قدرت شخصی بر شخصی دیگر: مانند حق قصاص، حق حضانت، حق بستنکار بر طلبکار. این قدرت، قدرت معنوی است. یعنی وقتی بدهکار نتواند حق طلبکار را پرداخت کند به او، می‌تواند با اقامه دعوا حق خویش را بستاند.

۲- قدرت شخص مالک بر مال. این حق از نوع قدرت مادی است.

حق درحقوق نیز تعاریف متعددی دارد:

بنابر یک تعریف، حق عبارت است از قدرت یا سلطه ارادی که قانون در اختیار شخصی قرار می‌دهد و نیز گفته شده حق عبارت است از مصلحتی که قانون از آن حمایت می‌کند.^(۹)

پی نوشت‌ها:

۱. هجران هویت قومی در ایران، قلی‌الطایی، نشر شادگان، ص ۳۴.
۲. الطایی، همان، ص ۳۹.
۳. ر.ک به هویت اجتماعی، ریچارد، جنکینز، ترجمه تورج یاراحمدی، نشر شیراز، ۱۳۸۱، ص ۵.
۴. در این زمینه از تمایلی هجران هویت و اغراق‌ها اجتماعی، حسن حاجی‌حسینی، کتاب زنان، ۱۷، پاییز ۱۳۸۱ استفاده شده است.
۵. حقوق و سیاست در قرآن، استاد مصباح به نگارش شهید شیرازی، مؤسسه امام خمینی ۱۳۷۷، ص ۲۴.
۶. ناصر کاظمیان، فلسفه حقوق، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۳.
۷. لغت‌نامه دهخدا، ج ۶ ص ۹۱۴۲ واژه حق
۸. المنجد فی اللغة، ص ۱۴۴، واژه حق
۹. این دو واژه از مقاله محمد مهدی کریمی‌نیا، حقوق، حق و اقام حق، اقتباس شده است.

شناخت پزشکی ایمان

ترجمه: امیر دهبانی

«رابرت گریم»، متخصص سرطان، در مرکز پزشکی وابسته به بیمارستان سلطنتی امراض استخوان «بیرمنگام» به بیمارشی خیره شده است. وی که «مری سلف» نام دارد، مدت‌هاست با سرطان استخوان دست و پنجه نرم می‌کند. یکی از غده‌هایش با عمل جراحی برداشته شد، ولی وقتی غده‌ی دیگری در ستون فقراتش پدید آمد، او خود را آماده مرگ کرد.

آن‌گاه در ماه اکتبر ۱۹۹۹ رویداد شگرفی رخ نمود: تصاویر نشان می‌دادند که غده دارد کوچک می‌شود و حالا کاملاً از بین رفته است.

پزشک به وی می‌گوید: «چیز عجیبی است! علتش را می‌دانی؟» مری - روان‌پزشک و مادر دو کودک خردسال - جواب می‌دهد: «عاملی فراتر از مراقبت‌های پزشکی هست که من در زندگی برایم ارزش قائلم و آن ایزد تواناست.» او اطمینان داشت دعا و آرامشی که از این راه نصیبش شده بود، بار دیگر تندرستی ساخته است.

یکی از رایج‌ترین اظهار می‌دارد: «من هم به این موهبت دست خواهم یافت.»

وابستگی مذهبی و شور معنوی از هر نوعی که باشند، نه تنها دین سامان یافته، اندک اندک در کانون عنایت پزشکان انگلیس قرار می‌گیرد، استاد «استیو رایت» که ۵۰۰۰ پزشک و پرستار در کلاس‌های لامسه درمانی‌اش در دانشکده «مارتین قدیس» واقع در «لانکاستر» شرکت جسته‌اند، معتقد است: «دین، معنویت و پزشکی، پیوند تنگاتنگی با هم دارند.» او می‌افزاید: «علاقه به مذهب بر همه ما اثر می‌گذارد و به زندگانی‌مان مفهوم می‌بخشد.» پیوند میان جسم و روح، پیشینه‌ای یک صد ساله دارد، اما از زمانی که شفا یافتن جنبه عملی یافت، پزشکان غربی از روحانیت و ایمان مذهبی روی گردانیدند. در عوض امروزه پژوهش‌های علمی ثابت کرده‌اند که پیوستگی موجود میان ایمان و تندرستی، جامعه پزشکی شک‌گرا را درگرو می‌سازد.

این امر، رونق یابی مجدد اشتیاق به معنویت است. سه چهارم انگلیسی‌ها می‌گویند که در دوران حیاتشان از بُعد معنوی آگاهند. نسلی بعد از جنگ دوم جهانی که نه تنها مراقب خود بلکه مراقب والدین‌شان هم هستند و هم‌زمان با افزایش سن در جست و جوی ژرفا و مفهوم زیست می‌باشند.

دانش در قفای دین

موجی از بررسی‌های نوین، فاصله‌ای را که چندین دهه بین معنویت و علم وجود دارد، کم‌کم از میان می‌برد. به عنوان مثال، تحقیق نشان داده است افرادی که هفته‌ای افزون بر یک بار در مراسم مذهبی شرکت می‌جویند، به طور متوسط هفت سال بیشتر از دیگران عمر می‌کنند. به موجب مطالعه‌ای که در سال ۱۹۸۸ توسط پزشکان دانشگاه «دوک»، کارولینای شمالی، صورت گرفت، معلوم شد احتمال بستری شدن کسانی که هر هفته به کلیسا می‌رفتند، کم‌تر از آنانی بودند که به عبادتگاه گام نمی‌نهادند. تفاوت حاصل، تا حدودی ناشی از این حقیقت بود که کلیسا روندگان کم‌تر سیگار می‌کشند و باده می‌نوشند و بیشتر به معنویت پناه می‌برند. امکان دارد که جدا افتادگان و گوشه‌گیران بیشتر به اعمال ناشایست، اعم از جسمی یا روان شناختی دست یازند.

لیکن بازبینی اخیر ۳۱ بررسی پیرامون اثرات دعا که در انگلستان انجام پذیرفته، حاکی از آن است که دعاگویان و نمازخوانان، دلشادتر و سرخوش‌تر زندگی می‌کنند، ولو اینکه قدم به عبادتگاه نهند. دو پژوهش را جع به بیماران بخش‌های مراقبت‌های پزشکی بیماری‌های قلبی حاکی از این بود افرادی که به خاطر مرضی‌شان، حاجت به نزد خدا برده بودند، زودتر از بقیه بهبود یافتند - حتی گرچه نمی‌دانستند که کسی برایشان دست به دعا برداشته است.

به قول استاد «لسلی فرانسیز»، یکی از پژوهندگان پژوهش یاد شده و روان‌شناس دانشگاه «ویلز»، «بانگر»، و کشیش کلیسای انگلستان: «این یافته، حیرت‌آور است و همچون دیگران از تأثیر دعا حیران مانده‌ام!»

اثر شفای دینی هم اسرارآمیز است. شخصی موسوم به «هیلر گیل وایت»، آنچه را که انجام می‌دهد، چنین توصیف می‌کند: «آنگذر صبر می‌کنم تا حسی در درونم بخروشد. گاه بیمار

نیز دچار چنین حالتی می‌شود، دستانم را دور سر و تنش حرکت می‌دهم و غالباً بی‌آنکه لمسش کنم، این نیرو را به او القاء می‌کنم.» زمانی که دکتر «دیکسون»، اثر شفا را روی ۲۷ بیمار بدحال بررسی کرد، نتایج مندرج در «نشریه انجمن سلطنتی پزشکی» حکایت از آن داشت که نشانه‌های مرض ۲۲ تن از بین رفته بود. به گفته وی: «شفا دهند، بهبودی را آسان ساخته و به عملکرد صحیح دستگاه ایمنی یاری می‌کنند. پزشکان چنین وضعی را تأثیر داروی کاذب می‌نامند و ترجیح می‌دهند آن را رد کنند. اما به نظر من ایمان مؤثرترین درمان بشر است.»

شاید حتی توجیه کامل اثر مثبت وابستگی مذهبی بر سلامتی انسان مهم نباشد. استاد فرانسیس بر این باور است که: «شرکت‌ها، داروهای جدیدی را به بازار عرضه می‌کنند، بدون آنکه از تأثیر آن‌ها کاملاً با خبر باشند. آن‌ها بر پایه اصل «علت و معلول» از کاربرد داروها آگاه می‌شوند. پس همین مسأله در مورد نیایش هم صادق است.»

بی تردید، ایمان نیروی توانمندی شمرده می‌شود. در این صورت گاه هم از چنین ویژگی برخوردار است. حتی پزشکانی که علاقه به مذهب را در کیسه داروی بیمار می‌گنجانند، اعتراف می‌کنند که کاربرد ایمان به منزله بخشی از مراقبت‌های پزشکی تنها زمانی سرنوشت‌ساز است که مریض، اعم از زن و مرد، آشکارا از ایمانش سخن بگوید. به گفته استاد رایت: «چنانچه نظر تان این باشد که دین‌داری برای تندرستی تان مفید است، پس کسانی که به رغم دعا و پرستش بیرون پاک بهبود نمی‌یابند، باید خودشان را سرزنش کنند.»

فردوسی در انتظار است

صدها مطالعه پژوهشی، نمایانگر پیوندی بین معنویت و تندرستی انسان است. از آثار مثبت این پیوستگی، موارد ذیل را می‌توان نام برد:

عمر طولانی‌تر

براساس مطالعاتی که بین سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۵ درباره ۲۱۰۰ نفر اجرا گردید، دلالت بر این داشت که طول عمر کسانی که هفته‌ای بیش از یک دفعه در مراسم مذهبی شرکت می‌جویند، هفت سال فزون‌تر از افرادی است که با این موضوع بیگانه‌اند.

بهبود رضایت بخش

بیمارانی که ایمان به آنان آرامش بخشیده بود، در پی سپری شدن شش ماه از موعد جراحی قلب باز، شانس زنده ماندن‌شان فزون‌تر از مریض‌هایی بود که آسودگی را در دین داری نجسته بودند. تحقیق مذکور در سال ۱۹۹۵ به وسیله دانشکده پزشکی «دارموت» تحقق یافت.

قلب‌های قوی‌تر

بر حسب بررسی سال ۱۹۹۷ که در هندوستان انجام یافت، معلوم



شد احتمال ابتلای آزمایش‌شوندگان با ایمان به بیماری رگ‌های تغذیه‌کننده (عروق کرونری) قلب، ۷۰٪ کمتر از سایر مردم است.

میزان کمتر فشار خون

پژوهش استادان دانشگاه دوک راجع به ۴۰۰ مرد، به پیدایش خاصیت چشمگیر حفاظتی ضد پرفشاری خون در میان کسانی منجر شد که مذهب را بسیار مهم پنداشته و منظم‌اً در عبادتگاه حضور می‌یافتند.

بهداشت روانی مطلوب

روان‌شناسان دانشگاه شیفیلد هلام متوجه شدند اشخاصی که بیشتر عبادت می‌کنند، میزان افسرده‌دلی و آسیب‌مگی (اضطراب)‌شان کمتر است.

کاهش فشار روانی (استرس)

دکتر «هربرت بنسون» استاد دانشکده پزشکی هاروارد می‌گوید: «موقعی که دچار فشار روحی می‌شویم، میزان فشار خون و تعداد دفعات تنفس و ضربان قلب ما افزایش یافته، بدن‌مان فشرده شده و قدرت ایمنی‌مان تقلیل می‌یابد.»

استاد مزبور، طی مطالعات خویش دریافته است که تکرار دعا، واژه، آوا، گروه (عبادت) یا حرکت، ضمن نادیده انگاشتن اندیشه‌های دیگر، موجب می‌شوند که واکنش‌های متضاد از ذهن زوده‌شود مراقبه (تأمل)، دعا و نیایش، تابی چی و یوگا همگی سبب رونق بخشیدن به این حالت سلامتی می‌گردند.

تجویز و توصیه دعا و نیایش

دکتر «اسکات موری» در اوایل کارش در دهه ۱۹۸۰ حس کرد که بیمارانش نیاز به چیزی جز تشخیص جسمانی و درمان داشتند. وی اظهار می‌دارد: «اگر مریضی از درد معنوی رنجور باشد، بهبودی‌اش به تمویق می‌افتد، اما گاهی از نظر مردم دشوار است که واژه‌هایی برای طرح مشکلاتی از این دست مطرح می‌سازند.»

موری، مبلغ پیشین مذهبی در ادینبورگ طبابت می‌کند و در دانشکده پزشکی ادینبورگ به تدریس پزشکی عمومی سرگرم است. وی همیشه گوش پزشکی با خود دارد و از اشعه مجهول (ایکس) استفاده کرده و در صورت لزوم پنی‌سیلین تجویز می‌کند. ولی به پیشینه پزشکی بیماران نظر می‌افکند، غالباً چنین سوالاتی می‌پرسد: «در زندگی به چه چیزی بیشتر ارزش قایل می‌شوی؟» و «نماز می‌خوانی؟» اغلب آنان جواب می‌دهند: «راستش دکتر، نه، اما می‌خواهم چیزی به تو بگویم... و ناگهان سر درد دلش باز می‌شود.»

گاهی اوقات پزشک یاد شده، مریض‌ها را به کشیش کلیسای محلی یا رابزین مذهبی یا سازمان مشاوره دینی معرفی می‌کند، لکن بر این باور است که مفهوم سازمان ملّی بهداشت (ان‌اچ‌اس) خیلی فراتر از صرفاً تأمین پشتیبانی دینی است.

«هدف آن، یاری‌رسانی به افرادی است که حس معنایی‌شان با صورت بیماری در چالش است. مفهوم آن گوش فرا دادن به سرگذشت شخص و کشف هویت او است و اینکه چه چیزی برایش اهمیت دارد.»

قوة مجریه اسکاتلند، هزینه‌های مربوط به پژوهش‌های دکتر موری، از نظر نیازهای معنوی بیماران و اینکه چه سان خدمات بهداشتی قادر است در کاهش آن‌ها مؤثر باشد را تأمین کرده است.

درمان کلی

در مارچ ۱۹۵۵ که «رابرت» اهل «استیتون‌یورک‌شایر» غربی بر اثر حادثه ناشی از چتربازی نمایشی از گردن به پایین فلج شد، با خود اندیشید که عمرش به پایان رسیده است. بلافاصله بعد از این سانحه به بیمارستان عمومی پیندر فیلدز جنب خانه‌اش انتقال یافت. وی ماه‌ها تحت درمان بود و در این‌باره می‌گوید: «خیلی افسرده و خشمگین بودم.»

«در طول مدت بستری شدنم، اعضای کلیسای محلی به عیادت می‌آمدند. با هم دعا می‌کردیم و من احساس آرامش و اطمینان خاطر می‌کردم، بارقه‌ای از امید در دلم نبود، اما هر دفعه احساس می‌کردم که قوی‌تر و آرام‌تر شده‌ام.»

از وقتی که بنی حس کرد که پاهایش قدرت راه رفتن پیدا کرده‌اند، به او هیجان دست داد؛ ولی همچنان به مداوا احتیاج داشت. فیزیک درمانگر (فیزیوتراپیست) ورزش‌هایی برایش انتخاب کرد تا در منزل انجام دهد. وی می‌گوید: «می‌توانم به کمک قطر سنجی بایستم و وزن بدنم را از یک سو به سوی دیگر حرکت دهم و کودکی چهارساله به اسم پیتز دارم. ایمانم، درمان پزشکی‌ام را تکمیل کرده است - آن‌ها دست در دست هم هستند.» شمار زیادی از پزشکان، بروز دگرگونی هوشمندانه در پزشکی، از معالجه بیماری گرفته تا مداوای فرد کاملی را پیش‌بینی می‌کنند. امکان دارد بهبودیابی به شکل پرداختن به امور خود و سایرین به شیوه‌ای متفاوت یا حفظ مفهوم آرامش در پیدایش پریشانی و درد و رنج باشد.

دکتر «کریستینا پوجالسکی»، استادیار پزشکی دانشگاه جرج واشنگتن در واشنگتن دی سی بیان می‌دارد: «ما در قرن بیستم طول عمر انسان را به دو سوم اضافه کردیم و این افزایش بیشتر مدیون علم است، لیکن تمام تخم مرغ‌های‌مان را درون یک سید گذاشته‌ایم. دانش، تصور کلی نیست.»

او می‌افزاید: «پیوند اعتمادی هست که احتمالاً کسی حواس خویشتن را صرفاً به جنبه‌های جسمانی فردی معطوف می‌دارد و وقت دیگری از اوقات پزشک را زایل نمی‌گرداند. در حقیقت موضوع دسترسی با آغوش باز به بیمار مطرح می‌شود.

به دیگر سخن، نه شفای اعتقادی بلکه ایمان به بهبودی کارساز است.

نگارنده ترجیح می‌دهد مقاله معنوی و آموزنده بالا را با تک‌بیتی که چندی پیش بر بالای مطب پزشکی در شهر مقدس قم دیده است، زینت بخشد:

مطب دکتر اینجا، قبر سبط مصطفی آنجا

بشارت دردمندان را دوا اینجا، شفا آنجا